

شوراهای کارگری خود را تشکیل دهیم

کارخانه ها را سنگر مقاومت ضد سرمایه داری سازیم

فعالین جنبش لغو کار مزدی

چهارشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۸۸

سی سال است که شاهد تشدید لحظه لحظه استثمار و توسعه بی عنان بدبختی ها، گرسنگی ها، کارتون خوابی ها و همه اشکال فقر و بی حقوقی خویش هستیم. سی سال است که علیه این سیه روزی ها و ادبار و نکبت ها مبارزه کرده ایم و سی سال است که به طور مدام آماج تهاجم اشرار و نیروهای سرکوب سرمایه قرار گرفته ایم. موج تصادم و جدال طبقه ما با نظام سرمایه داری در طول این چند دهه از جمله عوامل مهمی بوده است که شرائط سیاسی روز را پدید آورده است. اینک بالائی ها بر سر تقسیم حاصل استثمار ما به جان هم افتاده اند. دو بخش طبقه سرمایه دار که سی سال تمام است کل رگ و پوست و گوشت و استخوان ۵۰ میلیون نفوس توده های طبقه ما را به سلسله جبال عظیم سرمایه های خود تبدیل کرده اند در عرصه بازتقسیم میزان مالکیت سرمایه هایشان، وسعت دست اندازی به اهرمهای اساسی قدرت دولتی و به خاطر حدود نقش خویش در برنامه ریزی نظم سرمایه و چگونگی اعمال هر چه بربرمنشانه ترین نظم بر ما، با هم به کشمکش رسیده اند. هیچ چیز فاجعه بارتر از این نخواهد بود که باندهای رقیب طبقه سرمایه دار، باز هم ما کارگران داغ لعنت خورده و از هستی ساقط شده را به گوشت دم توپ مجادلات بربرمنشانه خویش مبدل سازند!!!

هر دو بخش سرمایه داران، دار و دسته موسوم به اصلاح طلبان و اعوان و انصار رفسنجانی در یک سوی و قطب متشکل از سرمایه داران دیگر و سپاه و ارتش و ولایت فقیه در سوی دیگر سخت مصمم هستند تا موج اعتراض و خشم و عصیان روز ما را با مهارت کامل مصادره کنند و نردبان پیروزی خود بر حریف گردانند. هر کدام می خواهند با تحکیم باز هم بیشتر پایه های قدرت خویش در ماشین دولتی سرمایه بر شدت استثمار ما بیفزایند، بربرمنشانه تر از سابق هر اعتراض ما را سرکوب کنند، گرسنگی و بی دارونی و بی درمانی و کارتون خوابی کودکان و اجبار زنان طبقه ما به تن فروشی را وثیقه افزایش نجومی تر و کهکشانی تر سرمایه های خود نمایند. جنگ آن ها با هم صرفاً جنگ مردار خواران بر سر تقسیم لاشه های عظیم سود و سرمایه ای است که از استثمار بربرمنشانه ما نصیب خود ساخته اند و می سازند. سهمگین ترین تراژدی تاریخ این خواهد بود که توده های طبقه ما باز چیه مجادلات این سرمایه داران و دولتمردان نظام سرمایه داری گردند. ما بر خطر احتمال این تراژدی تأکید و باز هم تأکید می کنیم زیرا که تاریخ صد ساله زندگی و پیکار ما نفرین شدگان دوزخ بردگی مزدی در بند بند خود حدیث وقوع همین فاجعه رقت بار است. آویختن به دار زعامت سرمایه داران مرتجع و بشرستیز جلودار مشروطیت و استقبال از حمام خون هائی که آخرین افق انتظار آنها در تأسیس « عدالت خانه»!!، جا به جایی « عسکرگاریچی» با گاریچی دیگر و تعویض تولیت مدرسه مروی خلاصه میشد!! حلق آویزی به طناب توهم بافی های ناسیونالیستی و کارگرکش امثال مصدق و سرمایه داران لیدر جبهه ملی و نهضت آزادی یا احزاب قطب سرمایه داری دولتی از نوع حزب ضد کارگری « توده» و بالاخره سرمایه داران بشرکش پان اسلامیست در مقاطع مختلف تاریخ، همه و همه برگ های سیاهی را در کارنامه جنبش ما به هم صحافی کرده است. آنچه در گذشته رخ داده است بسیار رقت بار بوده است اما منحل کردن موج اعتراض و مبارزه روز در بازی رقابت کرکس و ار سود جویان و قدرت طلبان سرمایه دار از همه آن ها ننگ آورتر و فجیع تر خواهد بود. هیچ کدام از گرایشات درنده نماینده سرمایه در مشروطیت، در سال های ۲۰ تا ۳۲، در روزهای پیش و پس قیام بهمن ۵۷ یا هر دوره دیگر، پیشینه مشخص حاکمیت سیاه آکنده از وحشت و دهشت و گند و خون سی ساله و تحمیل حمام خون های چند هزار، چند هزار بر توده های طبقه ما را در کارنامه دوره های قبل خود نداشتند. هیچ کدام آن ها تا آن روز ۳۰ سال گرسنگی و فقر و فلاکت و بی خانمانی و مذلت نظام بردگی مزدی را بر زندگی ۵۰ میلیون نفوس طبقه ما بار نکرده بودند. هیچ یک تا آن روز در زن ستیزی و کودک کشی و سنگسار زنان و برپائی هولوکاست از هر نوع حق و حقوق انسانی توده های کارگر شهره آفاق نبودند. همه آن ها بخش

هائی از طبقه بورژوازی بودند و هر کدام آن ها از تمامی ظرفیت لازم برای اعمال تمامی این توحش ها و جنایت ها علیه ما برخوردار بودند، بارزترین گواه صادق این مدعا هم کارنامه ۳۰ ساله دولت هار اسلامی سرمایه است. با توجه به همه این داده های شفاف تاریخی و تجارب بسیار زنده حیات اجتماعی طبقه مان، هر نوع غلطیدن ما کارگران به دام توهم بافی ها و ترفندسازی های این یا آن بخش طبقه سرمایه دار در شرائط روز از همیشه هولناک تر است. سی سال است که اصلاح طلبان سبعانه تر از رقیبان حکومتی و دومی ها بسیار درنده تر از اولی ها، ما را در مسلخ استثمار بردگی مزدی ذبح کرده اند. بسیار وقیح است که نخست وزیر اعدام های هفت هزار، نخست وزیر دوره استقرار دولت اسلامی سرمایه داری، نخست وزیر سال های متمادی کارگرکشی و زن کشی و قتل عام های هولناک اینک به خود اجازه دهد که در لباس فرشته آزادی قصد شکار توهم این یا آن کارگر را بنماید!! درست به همان سان که هر نوع توهم هر کارگری به جار و جنجال های عوامفریبانه تیم احمدی نژاد یا کل جناح مسلط قدرت دولتی سرمایه بیش از حد فاجعه بار و دردناک و نابخشودنی خواهد بود. باید برای همیشه از افتادن به ورطه ترفندبازی های قطب های مختلف سرمایه بسیار جدی و آگاهانه بر حذر ماند. معنای این سخن نه خزیدن به حاشیه حوادث روز که کاملاً بالعکس متضمن تدارک خیزشی عظیم و تاریخی برای تغییر واقعی وضعیت موجود است. در دل این شرائط حساس باید با تمامی قوا کوشید که به صورت طبقه ای مستقل، طبقه ای از بیخ و بن ضد سرمایه و نظام سرمایه داری، طبقه ای با انتظارات و مطالبات و اهداف مستقل ضد بردگی مزدی، طبقه ای با قدرت متحد و مستقل و سازمان یافته در عرصه مبارزه طبقاتی و جنگ و ستیزهای روز جامعه حضور پیدا کرد. این تنها راهی است که در پیش روی ما قرار دارد. همه راه های دیگر به گورستان بردگی و ذلت و گرسنگی و کارتون خوابی و اجبار به تن فروشی ختم می گردد. باید با مطالبات شفاف و اهداف روشن خود قیام کنیم و برای این کار باید از سازمانیابی ضد کار مزدی خویش حول منشور مطالبات روشن ضد سرمایه داری آغاز کنیم. باید در تمامی مراکز کار و تولید و در تمامی محله ها و مناطق مسکونی کشور حول این منشور دست در دست هم گذاریم. زن و مرد و شاغل و بیکار و پیر و جوان و دانشجو و دانش آموز از هر منطقه و ایالت و شهر باید برای تشکیل این شوراهای، برای توسعه آن ها، برای ارتباط تنگاتنگ و سراسری آن ها با هم از هیچ تلاشی فروگذار نکنیم. ما به میزان موفقیت خویش در ایجاد و گسترش و سراسری شدن این شوراهای به قدرت تبدیل خواهیم شد. قدرتی که از بیشترین ظرفیت بالیدن و رشد و ایفای نقش برخوردار است. قدرتی که حصول هر سطح آزادی و امکان زندگی آزاد انسانی، هر سطح رهائی از فلاکت و فقر و بیکاری و گرسنگی در گرو ظهور و عروج و بلوغ و استحکام و اعمال آن است، قدرتی که در روند رشد خود شالوده های واقعی آزادی بشر از هر نوع قدرت ماورای خویش را مستقر خواهد ساخت. ما می توانیم شیپور حضور این قدرت را از همین حالا در عرصه مجادلات اجتماعی روز به صدا در آوریم. این قدرت در شروع کار بسیار بسیار اندک خواهد بود اما حتی با همین حدود اندک آن خواهیم توانست دست به کار اخراج سرمایه داران از مراکز کار و تولید شویم، کارخانه ها، فروشگاه ها، بیمارستان ها، دانشگاه ها و مدارس را در ید قدرت شوراهای خود قرار دهیم، برنامه ریزی کار و تولید و رتق و فتق امور اجتماعی را به دست خود گیریم. سازماندهی تولید بر اساس نیازهای زندگی خود را اندک اندک مشق کنیم، در روزهای کارزار، فروشگاه ها را به مراکز توزیع رایگان مایحتاج معیشتی و رفاهی شهروندان مبدل سازیم. ما از درون این روند به عنوان طبقه کارگر، در زیر پرچم ستیز علیه سرمایه و برای نابودی کل نظام سرمایه داری حضور مؤثر مستقل و سازمان یافته طبقاتی خود را به نمایش خواهیم نهاد. به اتکاء این قدرت متحد و متشکل و آگاه کلیه مفاد منشور خویش را اجراء خواهیم کرد و با سرعت تمام از آن فرا خواهیم رفت. در همین راستا علیه کل سرمایه، علیه کل طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری مصاف خواهیم داد. ما یک جنگ واقعی طبقاتی به راه خواهیم انداخت. از درون این کارزار و از بطن روند جنگ علیه سرمایه است که دولت سرمایه داری را ساقط می سازیم و قدرت سازمان یافته شورائی متشکل از همه آحاد توده های طبقه مان را بر جای آن مستقر می سازیم. ما در فرایند این کارزار عظیم طبقاتی سنگ بنای جهان نوینی را استوار خواهیم ساخت. این تنها راهی است که باید در پیش گیریم. پیمودن این راه مسلماً دشوار است زیرا که رهائی از اسارت نظام کارگرکش و بشرستیز سرمایه داری کار بسیار دشواری است.

همزنجیران کارگر!

شواهد زیادی فریاد میزند که بخش های مختلف طبقه سرمایه دار به رغم تمامی تقلاهای خویش قادر به مهار موج مبارزات و اعتراضات

روز توده های عاصی نخواهد شد. نرد عشق موسوی و خامنه ای در بیت ولایت فقیه و وعده و وعیدهای طرفین به هم برای کنترل اوضاع قادر به جلوگیری از وقوع حوادث دیروز نشد. در طول این دو روز هر دو قطب قدرت سرمایه بیشترین میزان وحشت خود را از سرکشی موج خشم انسان های عاصی و ناراضی و معترض به نمایش نهاده اند. هم اکنون نیز هر کدام سراسیمه تر از دیگری برای غلبه بر روند اوضاع تلاش می کنند. احتمال موفقیت این دغلكاران به طور قطع کم نیست اما فراموش نکنیم که جامعه آبستن حوادث عظیم است. طوفان در راه است سخن اصلی این است که ما کارگران اولاً تمامی ترفندهای باندهای مختلف سرمایه را با شکست مواجه سازیم. ثانیاً با صف مستقل طبقاتی خود، با مطالبات واقعی طبقاتی خویش، با شوراهاى ضد سرمایه داری متشکل از توده های طبقه خود و با افق انتظار نابودی نظام بردگی مزدی وارد میدان کارزار شویم. میدان مشاجرات موجود باید جای خود را به میدان جنگ واقعی ما با نظام سرمایه داری بسپارد. باید از همین لحظه شروع کنیم. لحظه بعد دیر است.

فعالین جنبش لغو کار مزدی

۲۶ خرداد ۱۳۸۸